

# رهنمون



کشنده تر  
از هر گلوله

اسلحه‌ها خاموش اند، اما نبرد ادامه دارد...

سفرے از جنس نور  
در مسیر عاشقے

آنجا که زمین، بوی آسمان می‌دهد...

دکتر شهید  
محمد علی رهنمون

زندگینامه شهید شاخص سال ۱۳۹۰ جامعه پزشکی کشور

# مسیر به ناپایت

# دکتر محمد شهید علی رهنمون



سال ۱۳۳۴ شهر یزد میزبان نوزادی شد که او را محمد علی نامیدند. در پنج سالگی جهت یادگیری قرآن، او را به مکتب خانهای در محل فرستادند و چون از هوش و ذکاوت سرشاری برخوردار بود، در مدت زمان اندکی، قرآن را فرا گرفت و از همین جا بود که نشانه‌های پایبندی به دین و مذهب در وی آشکار شد.

محمد علی هنوز شش سال بیشتر نداشت که از نعمت پدر محروم و یتیم شد. دوره‌ی دبستان را در مدرسه‌ی بدر گذراند. آن طور که نزدیکان و آشنایان آن دوران گفتند: بسیار درس خوان، باهوش و خوش بیان بود. دوران راهنمایی را در مدرسه‌ی آیت‌اللهی پشت سر نهاد و در مدرسه‌ی رسولیان یزد، پس از گذراندن چهار سال دبیرستان، موفق به اخذ دیپلم شد. در روزهای آخر دبیرستان بود که غم از دست دادن مادر، محرومیت دیگری را در زندگی کوتاهش رقم زد. گرچه فقدان مادر برایش سخت بود، ولی از پاننشست و تلاشش را در راه تحصیل دوچندان نمود تا اینکه در کنکور پزشکی موفق شد و به دانشگاه اهواز راه یافت و به آرزوی خود و مادر مرحومه‌اش که شغل پزشکی بود، رسید.

پس از اخذ مدرک دانشگاهی، دوران مقدس سربازی را در سپاه گذراند و در سن بیست و شش سالگی برای اولین بار به جبهه اعزام گردید. محمد علی در دوران حضور در مناطق جنگی، نهایت سعی خود را در کمک به مجروحین جنگی انجام می‌داد. از پذیرفتن هرگونه پست و مقامی امتناع می‌ورزید و به دنیای مادی بی‌علاقه بود. فقط و فقط خودش را وقف مردم و وطنش می‌نمود. در بیمارستان‌های جبهه با جمع نمودن پزشکان متخصص، به سامان دهی اوضاع و امکانات بیمارستانی در راه کمک‌رسانی هر چه بهتر به مجروحین می‌پرداخت و همیشه رهرو خط امام و انقلاب بود تا اینکه در ششم اسفندماه ۱۳۶۲ در عملیات خیبر در بیمارستان صحرائی خاتم‌الانبیاء و در حال اقامه‌ی نماز صبح و به دنبال بمباران شدن بیمارستان توسط هواپیماهای ارتش بعث عراق، به سوی معبود شتافت.

نام: محمد علی

نام خانوادگی: رهنمون

نام پدر: محمد حسن

تاریخ تولد: ۲۰/۰۵/۱۳۳۴

محل تولد: یزد

تاریخ شهادت: ۰۶/۱۲/۱۳۶۲

محل شهادت: جفیر

عملیات: خیبر

محل مزار: بهشت زهرا (س)



# سفری از جنس نور، در مسیر عاشقی

حمیدرضا مریایان، دارساز ۱۴۰۱

دفاع مقدس، واقعه‌ای کلیدی در تاریخ انقلاب اسلامی و کشور عزیزمان ایران است. در آن دوران، مردان، زنان و جوانان بسیاری در جبهه‌های حق علیه باطل نقش آفرینی کرده و نام خود را در دفتر تاریخ ثبت نمودند.

شناخت و آشنایی با زندگی، خط فکری، رشادت‌ها و فداکاری‌های این انسان‌های بزرگ، می‌تواند چراغ راهی در مسیر زندگی هر یک از ما باشد. راهیان نور، دریچه‌ای است به سوی زندگی آزادگان و دلیر مردانی که در جبهه‌های جنگ، حماسه آفریدند و یادگارهای ارزشمندی از خود به جا گذاشتند. این حرکت عظیم، نمادی از اقتدار و همبستگی ملت ایران در برابر سختی‌ها و مصائب دوران جنگ تحمیلی است. هر ساله، افراد زیادی از سراسر کشور، با عقاید و دیدگاه‌های مختلف، همدل و همسفر می‌شوند و راهی یادمان‌های دفاع مقدس می‌گردند.

فضای معنوی و جو حاکم بر این مناطق، تجربه‌ای فراموش‌نشده برای هر زائر رقم می‌زند؛ به گونه‌ای که نخستین سفر به راهیان نور، وابستگی عمیقی در دل انسان ایجاد می‌کند.

هدف از این گردهمایی باشکوه، نه تنها یادآوری خاطرات تلخ و شیرین دفاع مقدس، بلکه درس‌آموزی از آن دوران و زدودن زنگار از آینه دل با زیارت شهید است؛ شهیدانی که با گفتار و کردار خود، نه تنها به قافله کربلا پیوستند، بلکه ایمان و ایثار را برای آیندگان نیز به یادگار گذاشتند.

پس چه فرصتی بهتر از این که با گام نهادن در سرزمین نور، ما نیز در مسیر آنان قرار گیریم و از کاروان عشق جا نمانیم...

## کشنده تر از هر گلوله

مژگان خاکپور، پژوهشگر ۱۴۰۱

«بدانید در آینده، خرمشهرها در پیش است؛ البته نه در میدان جنگ نظامی، بلکه در میدانی که ویرانی‌های جنگ نظامی را ندارد.»

رهبر معظم انقلاب

خرمشهر سقوط می‌کند، اما این پایان راه نیست. اینجا مسیر بی‌نهایت است.

عشق در سینه‌ها می‌جوشد، جوانان بر می‌خیزند و استوارتر از قبل می‌ایستند. خرمشهر، پیکر غرق در خون فرزندان را در آغوش می‌گیرد و سرفرازتر از همیشه قد علم می‌کند. فتح خرمشهر، نقطه عطف تاریخ ماست!

خرمشهر ما، نماد ایستادگی است؛ ایستادگی تا پای جان، ایستادگی برای آرمان‌های وطن.

اما اینجا هم پایان راه نیست...

اینجا، سرآغاز مسیری بی‌انتهاست.

جوانان خونین کفن، در دشت‌های جنوب خفته‌اند، اما فتنه‌ها هنوز بیدارند!

گذرگاه پرپیچ و خم تاریخ، باز هم پیش روی ماست.

اسلحه‌ها غلاف شده‌اند، اما این بار، قلم‌ها برافراشته‌اند.

این بار خبری از گلوله نیست، اما قلب‌های یکی پس از دیگری تسخیر می‌شوند.

دیگر خاکریزی برای پناه گرفتن نداریم... ما بی‌دفاع ایستاده‌ایم!

دیگر از باقری‌ها و چمران‌ها خبری نیست... همه خفته‌اند.

اینجا، جای آخرین بی‌سیم‌های باقری‌ها خالی است!

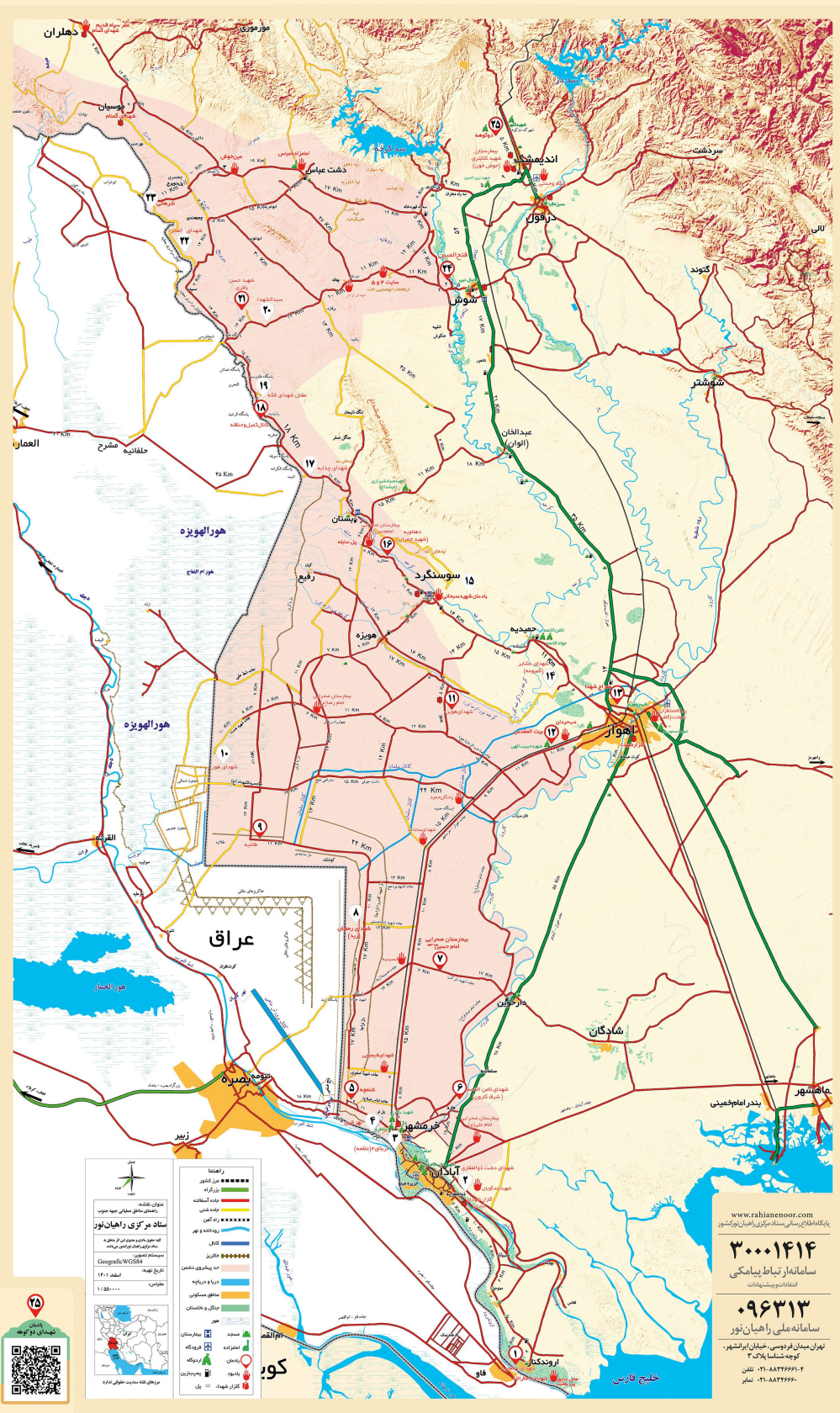
«در جنگ نرم، هیچ‌گاه عکس‌العملی عمل نکنید. البته پاسخ دشمن را باید داد، اما بهتر از واکنش نشان دادن، کنش‌گری و ابتکار عمل است.

همیشه یک قدم از دشمن جلوتر باشید؛ حدس بزنید که چه حرکتی می‌خواهد انجام دهد و پیش از او، حرکت خنثی‌کننده را انجام دهید؛ مانند یک شطرنج

باز ماهر که پیش از حرکت حریف، او را درین بست قرار می‌دهد...»

مقام معظم رهبری





- ۱۳ همایون شهدای راهیان نور
- ۱۴ شهدای شاکر
- ۱۵ شهدای سیدالکلی
- ۱۶ شهدای سیدالکلی
- ۱۷ شهدای سیدالکلی
- ۱۸ کمال طویل و جنگل
- ۱۹ شهدای سیدالکلی
- ۲۰ شهدای سیدالکلی
- ۲۱ شهدای سیدالکلی
- ۲۲ شهدای سیدالکلی
- ۲۳ شهدای سیدالکلی
- ۲۴ شهدای سیدالکلی

- ۱ شهدای راهیان نور
- ۲ شهدای کشت و آبیاری
- ۳ شهدای کشت و آبیاری
- ۴ شهدای کشت و آبیاری
- ۵ شهدای کشت و آبیاری
- ۶ شهدای کشت و آبیاری
- ۷ شهدای کشت و آبیاری
- ۸ شهدای کشت و آبیاری
- ۹ شهدای کشت و آبیاری
- ۱۰ شهدای کشت و آبیاری
- ۱۱ شهدای کشت و آبیاری
- ۱۲ شهدای کشت و آبیاری

@ rahnmoon\_ssu  
 @ ssubso کافه دانشجویی  
 راه‌ها ارتباطی:

مدیر مسئول: محمد مهدی رفیعی اسردبیر: فائزه عینی  
 ویراستاران: حمیدرضا مریان، محمد مهدی رفیعی  
 صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی یزد